

بسمه تعالی

جلسه 44

عنوان درس:	درس خارج فقه الصلاة	سال تحصیلی: 1399- 1400	تاریخ درس:	1399/9/24
عنوان فرعی 1	شروط التقصیر			
عنوان فرعی 2	جلسه 44			
عنوان فرعی 3	بررسی کتاب فقه الرضا			
مقرر:	حجة الاسلام و المسلمین سجاد آریس و اصغر حیدری			

شروط التقصیر :

خلاصه جلسه گذشته :

اقوال :

*قول اول :عدم وجود چنین کتابی در منابع شیعی*

بحث ما در کتاب فقه الرضا بود که گفتیم در سه جنبه باید بحث کنیم . جنبه ی اول این بود که آیا اصلا چنین کتابی وجود دارد یا نه؟ که مرحوم خوئی و دیگران تشکیک کرده اند که چنین کتابی ثابت نیست ، که وجود داشته باشد منظور آن کتابی که امام رضا در فقه تالیف کرده باشد وجود ندارد .

*قول دوم : چنین کتابی در شیعه وجود دارد*

گفتیم در مقابل این نظر یک نظر دیگر وجود دارد که همچین کتابی وجود دارد و اولین بار که این کتاب ظاهر شده است ببینیم چه وقت ظاهر شده است ؟ گفتیم سه ظهور برای این کتاب ما می توانیم دنبال کنیم در منابعی که در اختیار داریم ؛ یک ظهور این کتاب این است که در قم ظهور پیدا کرده است و لذا از ظهور این کتاب در قم به نسخه قمیه تعبیر می شود که در آن مطلبی که قبلا از مرحوم مجلسی نقل کردیم که اهل قم آمدند و کتاب را برای قاضی میر حسین نقل کردند و ایشان هم برای ما نقل کرد و .... نسخه ی دیگر به نسخه مکيه تعبیر می شود که نسخه ای است که در دست اجداد **سید علی خان مدنی** بوده است که نسخه ای است که به **احمد بن سکین** نسبت داده می شود که گفته می شود اصلا او همراه حضرت رضا بوده و احتمالا او نویسنده این کتاب باشد. و مطلب سوم در تتبع به اینجا رسیدیم که اولین بار که اسمی از این کتاب ولو محتوای کتاب برده شده است بر لسان **ناصر خسرو** است ناصر خسرو حکیم معروف که می گوید من این کتاب را خوانده ام و این کتاب جد من امام رضا است .

**مرحوم محدث نوری** در رابطه با کتاب فقه رضوی مفصل بحث کرده است شاید مفصل ترین بحث درباره کتاب فقه رضوی در کتاب فوائد مستدرک است که محدث نوری در اواخر فوائد مستدرک آورده است . در آنجا بحث نوری می فرماید:

بعد از اینکه از مجلسی اول نقل می کند در شرح فارسی من لا یحضر (مجلسی اول یه شرح عربی دارد که همان روضه المتقین است و یه شرح فارسی دارد و همان لوامع است) در مساله حدث اصغر فی اثناء غسل الجنابه می فرماید :

و قال فی شرحه الفارسی علی الفقیه، فی مسألة الحدث الأصغر فی أثناء

غسل الجنابه، بعد ذکر ما نقل الصدوق من رسالة أبيه إليه، فيها ما ترجمته:

((الظاهر أنَّ عليَّ بن بابويه أخذ هذه العبارات، و سائر عباراته في رسالته إلى ولده من كتاب الفقه الرضوي، بل أكثر عبارات الصدوق التي يفتي بمضمونها، و لم يسندها إلى الرواية كأنها من هذا الكتاب، و هذا الكتاب ظهر في قم، و هو عندنا.

و الثقة العدل القاضي أمير حسين- طاب ثراه- استنسخ هذا الكتاب قبل هذا بنحو من عشر سنين، و كان في عدّة مواضع منه خطّ الإمام الرضا عليه السلام، و إنّي أشرت إليه، و رسمت صورة خطه عليه السلام على ما رسمه القاضي.

و من موافقة الكتاب لكتاب الفقيه، يحصل الظنّ القويّ بأنّ عليّ بن بابويه، و محمد بن عليّ كانا عالِمين بأنّ هذا الكتاب تصنيف الامام عليه السلام، و قد جعله الصدوق حجة بينه و بين ربّه.))<sup>1</sup>

این مربوط به نسخه قمیه کتاب فقه رضوی است.

نسخه دوم نسخه مکيه است که این نسخه مکيه مُسند است یعنی سند دارد و مثل این نسخه قمیه نیست که مُرسل باشد و فقط کتابی باشد و منسوب به امام رضا باشد.

مرحوم مجلسی در اجازه ای که برای **امیر صدر الدین دشتکی** نقل می کند که امیر صدر الدین دشتکی اجازه ای روایتی به **سید علی بن القاسم الحسینی الیزدی** صادر کرده است. در این اجازه نامه مرحوم دشتکی به سید علی بن القاسم الحسینی الیزدی در این اجازه سید دشتکی سندش را به **احمد بن سکین** نقل می کند و می گوید احمد بن سکین جد من بوده است و این سند را متصل نقل می کند و همه هم آبائی هستند یعنی میگه پدرم از پدرش از پدرش... تا به احمد بن سکین که جد اعلاش بوده است. میگه این احمد بن سکین همراه امام رضا بوده است 10

---

<sup>1</sup> خاتمة المستدرک؛ ج1، ص: 231

سال در خدمت امام رضا بوده است و امام رضا در طول این سال ها یک فقه جامعی را به او داده است و این فقه جامع دست او بوده و ما هم این فقه جامع را از این طریق آبائی تا به امام رضا ما این را روایت می کنیم. لذا این نسخه فقه رضوی اگر فقه رضوی باشد این مسند است .

عبارت صدر الدین دشتکی در همان اجازه اش این است (این مساله در اجازات بحار نقل شده است):

و هی اجازه یذکر فیہ السید الدشتکی سنده المتصل عن طریق آبائه ... و السید قرا علی ...،

ثم ان احمد بن سکین جدی ،صحب الامام الرضا علیه السلام من لدن کان فی المدینة الی ...فاخذ منه العلم

آخر عبارت دارد : والسید المذكور (سید علی بن قاسم) قراء علیّ الرضویات الموسومة بالصحیفة ...

ایشان میگوید من صحیفه را به سند متصل از احمد بن سکین نقل میکنم و او هم این روایات را مستقیم از حضرت داشته است ومن اجازه روایت را به این سید دادم

مراد از صحیفه همان فقه الرضا است چون چیز دیگری ما نداریم که در آن مطالب فقهی از امام رضا نقل شده باشد

موید این که این نسخه مکّیه به سند متصل تا امام رضا روایت شده و این فقه الرضا است ،حرفی است که مولی عبد الله افندی در ریاض العلماء نقل می کند عند ترجمه سید علی خان المدني (سید علی خان مدنی از احفاد و نوه های همین سید دشتکی است و سید دشتکی نوه ی همان غیاث الدین معروف دشتکی است که از علمای جامعی بوده است .) در ریاض العلماء اینجوری می گوید :

و یوکده ما ذکره مولی عبد الله افندی فی ریاض العلماء عند ترجمه سید علی خان مدنی الذی هو من احفاد ...

((قال (افندی)ثم اعلم ان احمد بن سکین هذا الذی قد کان فی عهد مولانا الامام الرضا و کان مقربا عنده علیه السلام فی الغایة و قد کتب لاجله کتاب فقه الرضا علیه السلام وهذا الکتاب بخط الرضا علیه السلام موجود فی

الطائفه ومكة المعظمه فى جملة كتب سيد على خان المذكور التى بقيت فى بلاد مكة و هذه النسخة بالخط الكوفى وتاريخها سنة مائتى من الهجرة))....<sup>2</sup>

اگر نمى گفتند خط الرضا باز يه خورده قابل اعتماد بود و ميگفتيم اما املاء کرده است اما اينکه مى گویند خط الرضا اين قابل اعتماد نيست.

معلوم ميشه بعد اين كتب را به شيراز منتقل کرده اند.

مرحوم آقا بزرگ در الذريعه يك مطلب جديدى نقل مى کنند. اين مطلب را در دو جا نقل مى کنند يکى تحت عنوان الفقه الرضوى و يکى تحت عنوان کليات شامل .

اما تحت عنوان فقه الرضوى اينجورى مى فرمايند:

((ناصر خسرو علوى مولود سنه 394 هجرى اين چنين گفته است و سّمّاه بکليات الشامل و قال انه لجدى على بن موسى الرضا عليه السلام قراته اوائل سنى و کذا قرأت جامع الكبير لمحمد ابن الحسن الشيبانى و بين الكتابين تفاوت قليل))<sup>3</sup>

اما تحت عنوان کليات شامل هم مى فرمايد :

أطلق على فقه الرضا قال ناصر خسرو المولود 394 فى سوانحه المطبوع فى ديوانه قال ما هذا لفظه :

از 17 سالگى تا 15 سال ديگر به علم فقه الاخبار مشغول بودم و جامع کبير محمد بن الحسن شيبانى را خواندم و کليات شامل که که جد بزرگوارم حضرت رضا تصنيف فرموده است ياد گرفته ام و سهل تفاوتى بين فتاوى امام رضا و جناب شيبانى است

---

<sup>2</sup> رياض العلماء ج 3 ص 364

<sup>3</sup> (الذريعه ج 16 ص 293)

آقا بزرگ در ادامه میفرماید : ذکر فی کشف الظنون جلد 1\_ ص 381 الجامع الکبیر فی الفروع فیظہر ان کلیات  
الرضا ایضا فی الفروع و لیس ذلک الا فقه الرضا

ما از مجموع این حرف ها به این نتیجه می رسیم که یک کتابی به اسم فقه الرضا بوده است و اینکه بگوئید نیست با این همه نقل های متعدد و مکرر سازگار نیست ، کاری به اسم نداریم به مجموعه احکام فقهیه ای بوده که در یک کتاب جمع شده و منسوب به امام رضا بوده است و گاهی به **فقه الرضا** ازش تعبیر شده است و گاهی به صحیفه الرضا تعبیر شده است و گاهی به کلیات شامل تعبیر شده است ولی اجمالا به همین چیزی بوده است ولی حرف سر این است که این انتساب تا چه اندازه قابل اعتماد است؟ و اثبات انتساب آن به امام رضا احتیاج به دلیل دارد.

یه مقدار مستبعد است که امام رضا کتابی را در فقه نوشته باشند و هیچ یک از اصحاب امام رضا نه اصحاب طبقه اول نه طبقه دوم و نه اصحاب امام جواد و نه اصحاب امام هادی و نه تا غیبت صغری هیچ یک از اصحاب امام رضا و هیچ یک از علمای امامیه و هیچ یک از اصحاب ائمه اطهار و هیچ یک از مولفین کتب حدیثی معروف اشاره ای به این کتاب نکرده اند. بر فرض کا امام رضا این را نوشته و داده به یک کسی خوب لا اقل آن کسی که این کتاب را می گیرد به جایی نقل می کند و اسمش را کسی می شنود و اسمی از کتاب نیست . یه وقتی اسمی از کتاب است و گفته میشود این در اختیار ما نیست اما یه وقت اصلا اسمی از این کتاب وجود ندارد و این چیزی است که این استبعاد را درست می کند و ادامه بحث را فردا پی می گیریم که آیا می توان اثبات کرد صحت انتساب یک چنین کتاب به امام رضا را یا نه؟ اصل وجود کتاب بحثی ندارد اما انتسابش به امام رضا نیاز به دلیل دارد.

"اللهم صلی علی محمد و ال محمد"